فضانوردان چه می‌گویند؟

نمره‌ی بسیار خوبی می‌دهیم

تاریخ سینما پر از فیلم‌هایی درباره‌ی شخصیت‌های واقعی است که پس از اکران، انتقادِ آن شخصیت یا شخصیت‌ها را در پی می‌آورند. این اتفاق حتی در فیلم‌هایی که به شغل و حرفه‌ای خاص می‌پردازند و نه چهره یا آدمی مشخص، هم صدق می‌کند. اما کوآرون با فیلم جدیدش این قاعده‌ی تکراری را بر هم زده است. «باز آلدرین» فضانورد مشهور و دومین انسانی که پا بر کره‌ی ماه گذاشت، می‌گوید به‌شدت تحت تأثیر فیلم «جاذبه» قرار گرفته و عاشق آن شده است. «آلدرین» آن‌قدر شیفته‌ی فیلم شده که پا جای پای منتقدان سینما گذاشته و ریویوی خودش را بر جاذبه نوشته است. او در این یادداشت که در وب‌سایت مجله‌ی هالیوود ریپورتر منتشر شده، می‌نویسد: «من به‌شدت تحت تأثیرِ تصویری که از حقیقتِ جاذبه‌ی صفر خلق کرده بودند قرار گرفتم. کارهای ایستگاه فضایی در فیلم درست همان‌طور پیش می‌رفت که در واقعیت دیده‌ام. وضعیتِ فاجعه‌واری که در فیلم تصویر شده هم قطعاً امکان رخ دادن، دارد، اگرچه تا کنون بخت با ما یار بوده و کسی دچار این وضعیت نشده است.» «مایک ماسیمینو» استاد دانشکده‌ی مهندسی دانشگاه کلمبیا و فضانورد سابق هم درباره‌ی فیلم جاذبه گفته است: «چیزی که در این فیلم می‌بینید یک‌جورهایی به یک روزِ بدیُمن می‌ماند، نه از این روزهایی که حال‌مان خوب نیست، بلکه یک روز بدیُمن روی شهاب‌سنگ‌ها.» ماسیمینو که دو بار به ایستگاه فضایی رفته، می‌گوید وقتِ تماشای فیلم وقتی تلسکوپ و ابزارهای دیگرم را که به این دقت بازسازی شده بودند دیدم به هیجان آمدم. او می‌گوید منتقدِ فیلم نیست، اما به فیلم کوآرون، برخلاف نقص‌های علمیِ که دارد، نمره‌ی بسیار خوبی می‌دهد و از تماشای فیلم بسیار لذت برده است.

داشتم و مشتاق بودم همان کاری را کنم که همتاهای مردم در سینما انجام می‌دهند، چه به‌لحاظ فیزیکی و چه احساسی.» بولاک می‌گوید: «همیشه مجبور بوده‌ام، به دنبال چیزی بگردم و آن نقش را تبدیل به شخصیتی زنانه کنم، یا اینکه خودم آن را بسازم. اما در سال‌های اخیر، وضعیت فرق کرده است. جوناس (جوناس کوآرون، نویسنده‌ی فیلم) و آلفونسو این نقش را مخصوص یک زن نوشته بودند، اما نه اینکه بعداً چنین فکری کنند. این بخشی درونی و جدایی‌ناپذیر از داستان بود. این بود که پیش خودم فکر کردم باید تمام تلاشم را بکنم تا او را به بهترین نسخه از خودم تبدیل کنم.» بولاک درباره‌ی پروسه‌ی ساخت فیلم و تحقیقاتی در جریان ساخت انجام‌شده می‌گوید: «کلی تکنسین اطراف ما بودند که کمک می‌کردند دکمه‌ها و اهرم‌های پیچیده را بشناسم و من نمی‌دانستم که بدن انسان در جاذبه‌ی صفر چطور کار می‌کند. بالاخره شوهرخواهرم شماره‌ی «کدی کُلمن» فضانوردی که آن زمان در ایستگاه بین‌المللی فضایی بود، را برایم پیدا کرد و او از آنجا با من تماس گرفت. اینطور شد که توانستم از کسی مشورت بگیرم که همان موقع هرچه را برای من سوال بود، داشت تجربه می‌کرد.»

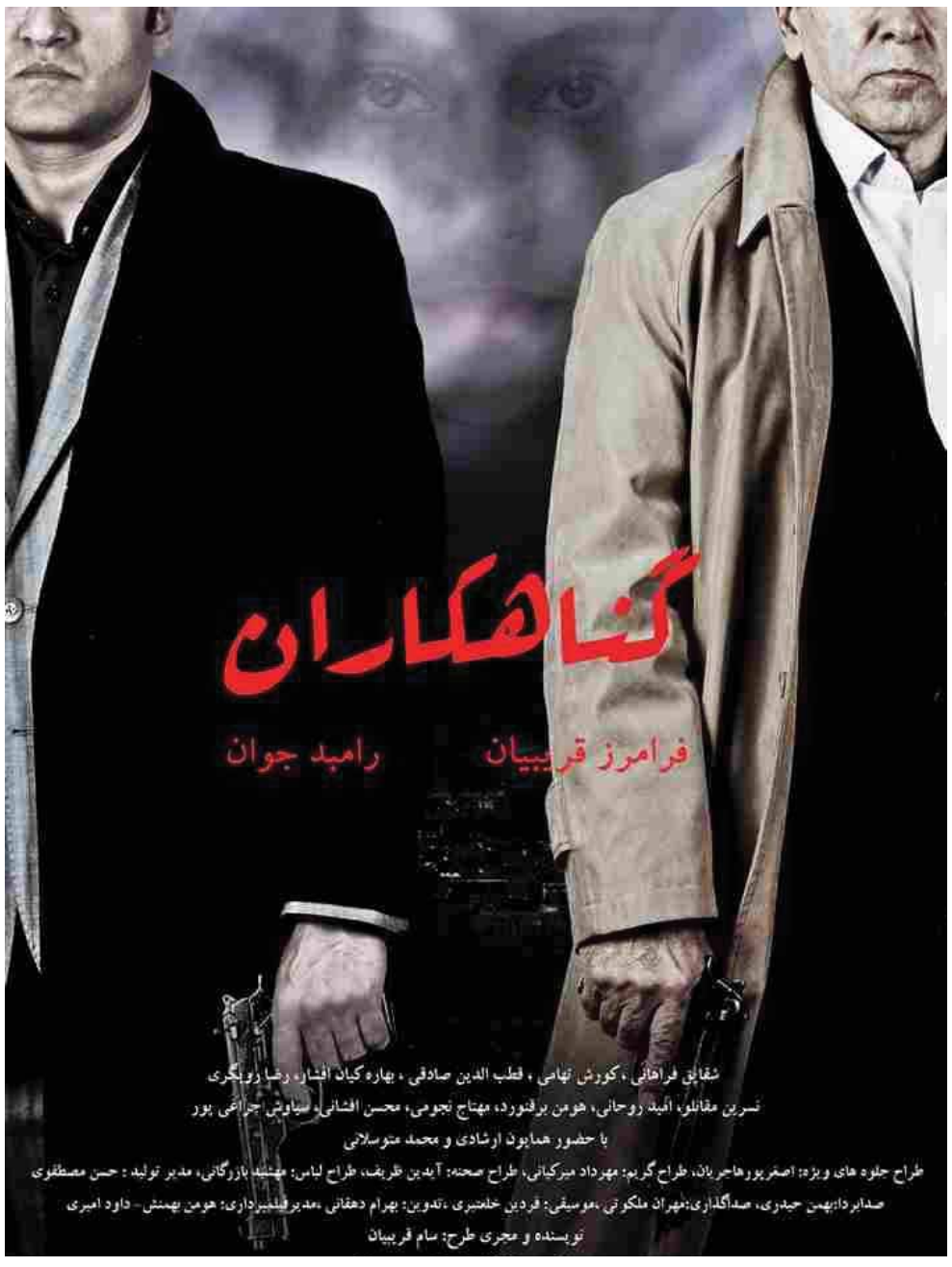

رهاشده

سال‌ها پس از فاجعه‌ی «آپولو ۱۳» در سال ۱۹۷۰، «جیم لاول» فضانورد، ادعا می‌کند که در ماه‌های منتهی به این رویداد، در خواب کابوس‌هایی درباره‌ی فضانوردی به نام جیم، می‌دیده است. او به نام فیلم اشاره نمی‌کند، اما قطعا از رهاشده (Marooned) حرف می‌زند؛ فیلمی با بازی «گرگوری پک»، «ریچارد کرنا»، «جین هکمن» و «جیمز فرانسیسکاس». فیلم، اسکار جلوه‌های ویژه را برد. اما در کمال تعجب، استودیو کلمبیا پیکچرز، حقوق آن را عمومی اعلام کرد و فیلم در نهایت در قالب یک بی‌موو کم‌بودجه به سرنوشتی تلخ دچار شد.

آپولو۱۳

به‌نظر می‌رسد ران هاوارد نمی‌تواند فیلمی بسازد که در آن شوخی زننده‌ای با ادرار نباشد. اما نمونه‌ی آن در آپولو۱۳ بهترین آن‌هاست، آنجا که ادرار انسان در آسمان معلق می‌شود و پرواز می‌کند.

بزرگ‌ترین دستاورد هاوارد در این فیلم، گنجاندنِ تعلیق در رویدادی است که همه می‌دانیم پایان خوشی داشته است. او این کار را با یادآوری خطرهای سفرهای فضایی و میلیون‌ها اتفاق ناخوشایندی که می‌تواند رخ دهد، انجام می‌دهد.

ماه

چهل سال بعد از آنکه «دیوید بویی» اسطوره‌ی راک بریتانیا، در ترانه‌ی «غرابت فضایی» به‌تنهایی رنج‌آور سفرهای فضایی پرداخت، پسرش «دانکن جونز» همین مضمون را در شعری تصویری در مقام کارگردان به تصویر کشید. «سم راکول» در نقش سم، تنهاترین مرد منظومه‌ی شمسی است؛ مردی تنها در یک مجموعه‌ی استخراج هلیوم از سوی تاریک ماه. «جونز» با بودجه‌ای که بسیار اندک می‌نماید (۵ میلیون دلار)، چشم‌اندازی به‌شدت منزوی و دورافتاده و متروک از ماه خلق می‌کند. و همان‌طور که پدرش در «سرگردتام» خوانده بود، می‌خواهد بگوید شاید انسان برای سفر به فضا ساخته نشده و اینکه رابطه‌های دور همیشه دربلندمدت از هم می‌پاشند.